

The Roles of Ethic and Education from the Perspective of Religious Jurisprudence and Islamic Laws

Ali Reza Rostayi, Sayed Hossein Vaezi

¹M.A student, Khorasgan Azad University, Isfahan, Iran

²Assistant professor, Theology College, Khorasgan Azad University, Isfahan, Iran

Abstract

Educational teachings from the perspective of Islamic jurisprudence and laws have performance bond. From the perspective of Islamic jurisprudence and laws, believing in God and feeling responsible for the learnt issues and applying them are necessary factors of education. The present study aimed to investigate about ethic and education from the perspective of religious jurisprudence and Islamic laws. Descriptive research methods, along with content analysis and library resources were utilized. The findings showed that the dynamic religious jurisprudence has always made an effort to present innovative solutions to the mentioned issues. What is really needed today is becoming religious not making a religion; in this regard, the vital thing is getting to know the religious laws and regulations so as to become prepared for entering into the social life; not just learning common theoretical phrases which are often learnt in all sections and are usually forgotten in a short period of time. Therefore, the need of applying religious laws and regulations in educational and ethical trainings is strongly felt and it, then, becomes one of the reasons that the religious books and lessons no longer appears unimportant, marginal, or compulsory.

Keywords: Ethics, Education, Law, Religious Jurisprudence, Training

نقش اخلاق و تعلیم و تربیت از منظر فقه و حقوق اسلامی

علیرضا روستایی، سید حسین واعظی

^۱دانشجوی کارشناسی ارشد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

^۲استادیار گروه الهیات، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

چکیده

آموزه‌های تعلیم و تربیت از منظر فقه و حقوق اسلامی ضمانت اجرایی دارد. ایمان به خدا و احساس مسؤلیت در قبال آموخته‌ها و به کارگیری آنها، از لوازم تعلیم و تربیت از منظر فقه و حقوق اسلامی است. پژوهش حاضر با هدف تبیین اخلاق، تعلیم و تربیت به شیوه فقه و حقوق اسلامی و روش تحقیق توصیفی، همراه با تجزیه و تحلیل محتوا و استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش حاکی است که فقه پویا همیشه در تکاپو و ارائه راه حل‌های نوین در خصوص مسائل مورد اشاره است. آنچه نیاز امروز ماست، دینی شدن است نه دینی کردن و آنچه لازم است دانستن قوانین و مقررات دینی به جهت مهیا شدن برای ورود به زندگی اجتماعی است، نه صرفاً آموزش گزاره‌های تئوری و تکراری که عموماً در همه مقاطع به وفور آموخته و معمولاً بالفور هم فراموش می‌شوند. بنابر این احساس نیاز به ورود مباحث اخلاقی، فقهی و حقوقی بر مباحث تربیتی وضوح پیدا کرده و جمله از عواملی می‌شود که کتاب و درس و مباحث دینی، بی اهمیت یا در حاشیه و یا اجباری جلوه نکند.

واژگان کلیدی: اخلاق، تعلیم، تربیت، حقوق، فقه

مقدمه

در فقه امامیه یک سری احکام به صورت قواعد کلی بیان شده است که در موضوعات مختلف کاربرد دارد، اما وظیفه استنباط مصادیق فرعی و بسط و گسترش مفاهیم آنها، بر عهده عالمان است.

(vaezi& moazzeni, 2014) بر این اساس متعلمان اگر با حقوق و وظایف خود و دیگران بیشتر آشنا و از مفاد این آموزش‌ها آگاهی یابند علاوه بر این که در زندگی و انجام امورات موفقیت بیشتری حاصل می‌نمایند، از مواجهه ناگزیر با بسیاری از معضلات در اثر عدم اطلاع از آنها مصون می‌مانند و برای زندگی آینده آمادگی بیشتری می‌یابند. فراگیران اعم از دانش‌آموزان، دانشجویان و غیر ایشان، به جهت ورود به عرصه اجتماعی و تشکیل خانواده و انجام فعالیت‌های اقتصادی نیاز به دانستن و اطلاع از قواعد، قوانین و مقررات حاکم بر این روابط دارند تا حقوق خود را بدانند و بشناسند و بتوانند به خوبی از آن دفاع کرده و به وظایف خود واقف شوند تا حقوق دیگران را زیر پا نگذارند. این مباحث و مقررات در کتب آموزشی یا مطرح نشده یا بسیار اندک بوده است. به طوری که بعضاً فارغ التحصیلان مدرسه یا حتی دانشگاه امروزه در عرصه‌هایی که وارد می‌شوند، اطلاعات بسیار کمی در خصوص قانون و مقررات حاکم بر جامعه دارند و بروز اغلب مشکلات رفتاری و مراعات و بین افراد در اثر بی اطلاعی یا کم اطلاعی نسبت به این آیین نامه‌ها و مقررات مربوطه است که عموماً اینها در مباحث اخلاقی، فقهی و حقوقی مطرح هستند. در کتاب فقه و زمان آمده است: «هرگاه کسی بر این باور باشد که نباید از آراء و نظریات پیشینیان تخلف ورزید، باید بداند که هیچ گاه روح شریعت و شرایط تحول در بستر زمان و نیازهای جوامع و مزایای فقه اجتهادی را درک نکرده است (Janati, 2006).

تعلیم و تربیتی کاربردی است که با داشتن راه حل‌ها و برنامه‌های صحیح و عملی در مورد تربیت، فراگیر بتواند از این آموخته‌ها در جهت رشد زندگی فردی و اجتماعی و رسیدن به اهداف خود از آنها مدد گیرد (Educational Research Office, District 2&5, 1981) این امر میسر نمی‌گردد، جز در سایه آموزش و فراگیری مسائل از طریق

در فقه اسلامی اصولی کلی بیان شده است که در موضوعات مختلف کاربرد دارد، اما وظیفه استنباط مصادیق فرعی و بسط و گسترش مفاهیم آنها، بر عهده عالمان دینی است. در این رابطه امام رضا (ع) بیان داشته‌اند: «علینا لقاء الاصول وعلیکم التفریع». «ما قواعد و اصول کلی فقهی را بیان می‌کنیم و شما بر اساس همان اصول و قواعد، حکم مصادیق جزئی را حسب مورد استنباط کنید» (Ameli, 1993, Majlesi, 1982) که از جمله آن اصول و فروع مباحث اخلاقی و فقهی است.

وقوف فرد به تکالیف خود ضروری و شرط مقدم عمل به هر تکلیفی نیز دانستن آن است. این امر باعث می‌شود که (۱) فرد در انجام وظایف کوشا تر باشد؛ (۲) چون می‌داند به سبب عدم انجام، مؤاخذه می‌شود و باید پاسخ‌گو باشد جدیت بیشتری خواهد داشت و از طرف دیگر چون به حقوق خود آشنایی دارد اجازه نمی‌دهد آن حقوق نادیده گرفته شود و بهتر می‌تواند به خواسته‌ها و اهداف خود و افراد تحت تکفل یا حمایتش دست یابد. (۳) اگر همه افراد جامعه کم و بیش با این آموزه‌ها و تعالیم آشنایی حاصل کنند در مجموع تعامل بیشتری با یکدیگر خواهند داشت و این امر موجب رونق و شکوفایی در عرصه‌های مختلف می‌شود. (۴) تعلیم این مسائل منجر به کامیابی فرد در اجتماع و بهتر نمودن سطح زندگی اجتماعی و اقتصادی و کسب رفاه و آسایش او می‌شود. زیرا وی را با مهارت‌ها و تکنیک‌ها و دانسته‌های مورد نیاز آشنا ساخته و چنانچه همراه تعلیم روش به کار گیری از آنها هم آموزش داده شود، فرد متوجه خواهد شد که آموخته‌های او به کارش می‌آیند وقتی دید که می‌تواند در جهت ارتقای زندگی از آن بهره گیرد تمایل و رغبتی مضاعف به آموختن پیدا می‌کند.

پژوهش حاضر که در حوزه علوم انسانی صورت گرفته است، با استفاده از مواد متنوع کتابخانه‌ای از جمله کتاب‌ها، مجلات و مقالات، نیز نشریات الکترونیکی و فیش برداری عمل کرده و در نهایت با طبقه بندی، تجزیه و تحلیل و استنتاج کلی به نحو اختصار سعی نموده است نتایج تحقیق را به شرح زیر ارائه نماید.

بررسی موضوع تعلیم و تربیت فقهی و حقوقی

در کتاب گوهر و صدف دین آمده است: «به جهت این که فقه بتواند پاسخ‌گوی تمام وظایف و تکالیف انسان باشد تقسیم و تبویب دیگری برای آن صورت گرفته که در این تقسیم بندی وظایف انسان در برابر خود، خدا و دیگران و جهان هستی تبیین شده است. اگر فقه مصطلح را این گونه تقسیم کنیم یک فرد مسلمان می‌تواند کلیه وظایف خود را در رابطه با خود و خدا و جهان و دیگران در آن بیابد و استفاده کند. یعنی فقه در برنامه‌های خود سازی حضوری فعال تر و جدی تر پیدا می‌کند. (Beheshti, 2006) نیز در کتاب اسلام و تعلیم و تربیت می‌خوانیم: «تردیدی نیست که در هر دین آسمانی مقدار معتناهایی از آداب و رسوم عملی و عادات و عبادات و مباحثی وجود دارد و انسان‌ها می‌باید پایبند این آداب باشند و دین صرفاً یکسری عادات و عبادات خاص نیست» (Hojjati, 1978).

مباحث این نوشتار اشاره به تعریف اخیر از دین است؛ که دستورات عملی استخراج شده از منابع فقهی و حقوقی به گونه‌ای در منابع درسی درج شود. «مسائلی که در جهان امروز تحت عنوان حقوق طرح می‌شود با انواع مختلفش مثل حقوق اساسی، حقوق مدنی، حقوق خانواده، حقوق جزایی، حقوق اداری، حقوق سیاسی و غیر آن؛ در ابواب مختلف فقه با نام‌های دیگر پراکنده است» (Motahhari, 1995) با توجه به این که آموزه‌های دین هم مفید دنیا و هم عقبای آدمی است؛ پس همین گونه نیز می‌بایست آموزش داده شود. در دوره‌ها و زمان‌های نسبتاً طولانی، حجم زیادی از تعلیم ارائه می‌شود؛ اما مشکل غالب در این است که این تعلیم هدفمند و کاربردی نبوده و صرفاً یک مجموعه عظیم نصایح اخلاقی و اوامر و نواهی تئوری و تشریحی است. اگر اینها به تناسب گزینش شده از منابع غنی استخراج شوند، مانع بسیاری از تنازعات و مرافعات می‌گردند. وقتی آدمی بداند آنچه را انجام دهد به نفع زندگی مادی و معنوی است و نیز اگر انجام ندهد به ضرر زندگی اوست، اگر معتقد به آخرت باشد که موضوع روشن است و اگر اعتقاد راسخ هم به عقوبت اخروی نداشته باشد، حداقل به جهت دفع ضرر دنیوی هم که شده از آن پرهیز می‌کند. از آنجا که ندانستن و جهل به قانون رفع مسؤولیت

ورود بیشتر مباحث آیات الاحکام و مسائل فقهی و حقوقی در مواد و کتب درسی. به عنوان مثال اگر فرد، وظایف و تکالیف خود را در برابر شریک، همسر یا همسایه و یا مثلاً کشیدن چک بلا محل بدانند و حقوق خود را بشناسند در زندگی نظاره گر رفتار بهتری خواهیم بود. مشاهده مباحثی که در کتب علمی و تربیتی فعلی وجود دارد، نمایانگر این مسأله است که طرح جامع، مدون، کاربردی و رسایی از مباحث فقهی و حقوقی مورد نیاز و مبتلابه فراگیران در آنها نیامده است. حتی بعضاً اسم کتاب‌ها دین و زندگی است، ولی نه تعریف جامعی از دین شده است و نه از زندگی. با عنایت به این که در رساله‌های عملیه نیز آمده است: «مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد واجب است یاد بگیرد» (Behjat, 2000) لذا باید سرفصل‌ها به گونه‌ای تنظیم گردد که حداقل اطلاعاتی در این زمینه در اختیار فراگیران قرار گیرد.

بشر بدون تعلیم و تربیت هرگز به کمال لایق انسانی نمی‌رسد و استعدادهای سودمند درونی‌اش شکفته و بارور نمی‌گردد. (Sohofi, 1983) تعلیم و تربیت فقهی و حقوقی آن است که، آموزه‌ها، مواد و مفاد و مفاهیم خود را از فقه و حقوق اسلامی مأخوذ و تنظیم نماید. بخش اعظم ابواب و مباحث کتب دینی به بیان و تشریح قواعد و مقررات ساری و جاری مورد نیاز زندگی فردی و اجتماعی در جامعه می‌پردازد که منشعب و منبعث از این دو علم کاربردی است، به گونه‌ای که افراد را به جهت ورود به عرصه فعالیت در زمینه‌های مختلف مهیا می‌کند. اهمیت پژوهش در این است که چنانچه این متد آموزشی و تعلیمی که روشی تلفیقی و نسبتاً بدیع در امر آموزش است محقق شود، فراگیر ضمن آموختن آموزه‌های دینی و آشنایی با اصول از منظر فقهی و حقوقی و قانونی به حقوق و تکالیف خود در قبال خویشتن خویش و در قبال دیگران و خداوند آگاهی یافته، در نتیجه این تعلیمات در شکل‌گیری نحوه رفتار و برخورد او با سایر افراد مؤثر واقع شده است و تا حدود زیادی مانع ایجاد مشکل به دلیل عدم اطلاع از مسائل می‌گردد، و فرد را در حل مشکلات خود و دیگران توانمندتر، و در انجام امورات فردی و خانوادگی و شغلی منضبط‌تر و موفق‌تر می‌نماید.

از خصوصیات مدارس پیشرفته این است که فعالیت‌های آموزشی را با نیازهای روزمره جامعه مرتبط ساخته و در جهت آن عمل می‌کند و جامعه و مدرسه نیز همدیگر را متحول و پویا می‌خواهند. برای دستیابی به این موضوع شرکت دادن فراگیران در مباحث و بررسی نیازهای آنان و تعلیم رفتار و عادات مورد نیاز به آنان می‌تواند در تقویت و پرورش عادات نیک در وجود آنان مؤثر باشد (Hemmatbonari, 2110).

به طور خلاصه تعاملات تعلیم و تربیت و فقه را می‌توان یکی در موضوع آنها که انسان است و دیگری دخیل بودن در حیطة و گستره و مقاطع مختلف عمر آدمی از لحاظ معیشتی، مادی و معنوی و همچنین از نظر محتوای آموزه‌ها دانست. از باید و نیایدهای فقهی می‌توان در مبانی تربیتی و شیوه‌های تعلیمی بهره برد. زیرا غایت و مقصد آنها با هدف سعادت بشر و قرب الهی تدوین یافته است. جنبه عملی و کاربردی بودن آنها را می‌توان در رفتار مربی و متربی مشاهده کرد. با توجه به ظرفیت‌هایی که فقه دارد می‌تواند در ابعاد وجودی آدمی و تربیت آنان مؤثر باشد. مبنا و منبع اصلی تعلیم و تربیت فقهی و حقوقی همانا وحی الهی و قرآن کریم و سپس سنت نبوی و سیره و احادیث سایر معصومین (ع) است که دانشمندان اسلامی در تبیین و تشریح و تبلیغ آن کوشیدند.

هدف اصلی تعلیم و تربیت فقهی و حقوقی: هدف در این خصوص تربیت انسانی است که علاوه بر تأمین نیازها و آمال و آرزوهای خود، در فکر قانونمندی و رعایت حقوق دیگران هم برآید، آماده و مهیا گردیده و متعهد گردد که یک زندگی درست و سالم فردی و اجتماعی را برای خود و هم‌نوعان رقم بزند؛ که نتیجه آن سعادت و کمال دنیوی و اخروی است. لذا به جهت نیل به این هدف، فقه و حقوق و مسائل و دستورات مربوط به آنها را که همه مأخوذ از منابع و ارکان دینی است، در بخش‌های مختلفی چون: تعلیم، تعلم، عبادات، معاملات، قصاص و دیات و امثال اینها تنظیم نمود. آموزش و پرورش فقهی و حقوقی: هنگام بحث درباره ماهیت آموزش و پرورش (Education) طیف وسیعی از معانی پیرامون این واژه دیده می‌شود.

نمی‌کند، نتیجه می‌گیریم که برای داشتن یک شهروند و جامعه خوب، ابتدا باید افراد به حقوق و تکالیف خود واقف گردند و بعد انتظار رعایت از ایشان را داشت.

اکنون با توجه به این معنا و مفهوم، تربیت باید از منظر اخلاقی و به شیوه فقه و حقوق اسلامی درک شود و خلاصه آن این است که، آن تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش است که انسان را یاری می‌دهد خود را به خوبی بشناسد هدف خود را دریابد و در جهت نیل به آن هدف و به سوی کمال فردی و اجتماعی و تعامل و نوع دوستی و زندگی مسالمت آمیز و احترام و محبت به دیگران گام نهد.

مبانی تعلیم و تربیت فقهی و حقوقی

فقه و تربیت دو عرصه مهمی هستند که نقش برجسته‌ای در زندگی فرد مسلمان ایفا می‌نمایند. چرا که نهاد تعلیم و تربیت به یکی از نهادهای بنیادین در زندگی انسان تبدیل شده و زمینه ساز موفقیت انسان در سایر ابعاد گشته و از سوی دیگر، فقه از ایفای نقش در محدوده زندگی فردی انسان فراتر رفته و رسالتی نوین یافته و می‌بایست پاسخ‌گوی نیازهای شرعی انسان در همه ابعاد فردی و اجتماعی باشد. فقه به عنوان دانشی که ماهیت دینی و اسلامی دارد با تربیت به عنوان فرایندی که می‌تواند اسلامی باشد، دارای تأثیر و تأثراتی هستند که آثار و نتایج آنها در جهت دهی نظام تعلیم و تربیت جامعه اسلامی آشکار می‌گردد، زیرا از سویی، نقش فقه در تربیت می‌تواند به فرایند اسلامی سازی تربیت کمک نموده و بخشی از محتوای تربیت اسلامی را پوشش دهد و از سوی دیگر، تربیت با اصول و شیوه‌هایی که دارد ضمن ارائه موضوعات جدید در عرصه اجتهاد و فقاہت، می‌تواند به فرایند پای بند شدن افراد جامعه اسلامی به فقه و احکام فقهی، کمک شایان توجهی نماید. (Hemmatbonari, 2110) با این وصف تعلیم و تربیت و علم با کنجکاوی و تیزبینی که از خصوصیاتش است به طرح سؤالات جدید در عرصه‌های مختلف می‌پردازد و فقه درصدد پاسخ به آنها برمی‌آید و این امر باعث پویایی و تکاپوی بیشتر فقه می‌شود و فقه نیز با ارائه پاسخ‌های مناسب جلوه و حضوری پررنگ‌تر و مؤثرتر در بین علوم و جامعه خواهد داشت.

مهریه با تحمل شرایط زندگی از طرف زوج یا میزان کم آن و تحمل شرایط از طرف زوجه، که نیاز به تحقیق و پژوهش بیشتر دارد.

در کل آموختن آنچه یک فراگیر، محصل و دانشجو را به یک شهروند مطلوب، آگاه، دانا، وظیفه شناس و مدافع حقوق خود و افراد تحت تکفل خود تبدیل کند، لازم است؛ پس باید دوره تحصیلی از یک دوره صرفاً تئوری و آموخته‌های تکراری خارج گشته و این مهم نیز یکی از دغدغه‌های آموزش و پرورش به جهت فرهنگ سازی و انتقال آن به نسل آتی باشد. بنا بر این ایجاد و توسعه بینش و فهم در جوانانی که از مدرسه بیرون می‌روند و مجهز کردن آنان به نگرش‌ها و عادات مربوط به عمل مهم خواهد بود.

به جهت آشنایی با این شیوه آموزشی در ذیل نمونه‌هایی از آیات الاحکام و قواعد فقه و قانون مدنی که می‌تواند مورد استفاده در خصوص این مبحث قرار گیرد، آورده می‌شود. بدیهی است که با صرف وقت بیشتر و تدوین و تنظیم و تبویب و تخصیص آنها می‌توان مجموعه‌ای مؤثر و کارآمد و کاربردی ارائه نمود.

الف) احکام اجاره: در قرآن در این باره آمده است «یا أَبَتِ اسْتَأْجِرَهُ» (القصص / ۲۶) و نیز «عَلَىٰ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ» (القصص / ۲۷) آیات مذکور سابقه تاریخی این نوع معامله را بیان می‌کند. فی الجمله دلالت دارد که اجاره عمل مشروعی است و آیه بر مشروعیت آن دلالت دارد (Momeni, 2005).

ب) احکام عاریه: در اصطلاح فقهی عاریه عبارت است از دادن مال به کسی با اذن انتفاع مجانی. موضوع عاریه چیزهایی است که مورد استفاده قرار می‌گیرد، عین آن باقی می‌ماند و از بین نمی‌رود. مثلاً خانه یا اتومبیل و غیره. در قرآن در این باره آمده است «وَتَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ» (آل عمران / ۳) و «وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ» (الماعون / ۷) دلالت آیه بر عاریه صریح و واضح است برای این که، امر به یاری یکدیگر بر نیکی داده و عاریه از مصادیق نیکی است (Momeni, 2005).

ج) احکام عقد: «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (المائده / ۱) یعنی ای اهل ایمان به عهد و پیمان خود وفا کنید. عقد در لغت به

افرادی چون جان دیوئی گفته‌اند: «هدف از آموزش و پرورش عبارت است از قادر ساختن افراد به ادامه و استمرار آموزش و پرورش خود. این که آموزش و پرورش باید به وسیله قانون انتظام یابد و امری مربوط به دولت است، انکار ناپذیر است اما این که ویژگی آموزش و پرورش چه باید باشد و به چه اساسی و از چه منظری تدوین و تکامل یابد مسأله‌ای است قابل بحث» (Smith, 1974). از این حیث لازم به تحقیق است که آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت اگر بر پایه و از منظر فقه و حقوق اسلامی بررسی و نهادینه و پایه ریزی شود چگونه خواهد بود. شاید برخی تصور کنند که این کار مربوط به آموزش و پرورش نیست و در دانشگاه‌ها یا مراکز تخصصی دیگر باید آموزش داده شود. اما از آنجا که این امر برای همگان مقدور نیست، آیا فارغ التحصیلان این مقطع نیاز به دانستن قوانین و مقررات اجتماعی و غیره که ناگزیر با آن مواجه می‌شوند ندارند؟

به نظر می‌رسد آموزه‌های دینی در باب عقاید و عبادات و حتی اخلاقی بسیار فراوان و متنوع و وافر است اما با توجه به بررسی کتب کنونی و نیز نحوه رفتار و کنش اجتماعی فراگیران و میزان اطلاع آنان از مسائل فقهی و حقوقی مبتلا به، حتی در بین فارغ التحصیلان، آنچه به دست می‌آید و کمبود آن محسوس است این است که باید در مواد درسی و دروس آنها جای بیشتری از نظر کمی و کیفی به مباحثی همچون آیات الاحکام و قواعد فقهی و مسائل حقوقی و قوانین اساسی و مدنی داده شود. به عنوان مثال مسائلی چون: حقوق شهروندی، آداب معاشرت اجتماعی، نحوه تنظیم قراردادهای معمولی بین افراد، حقوق همسایه، وظایف و مسؤولیت‌ها و حقوق افراد در قبال یکدیگر، وظایف و تکالیف زوجین، وظایف و حقوق متقابل والدین و فرزندان و مقررات آپارتمان نشینی، قوانین موجر و مستأجر، احکام و قوانین مربوط به معاملات و چک و ضمانت و قصاص و دیات و تکالیف افراد به هنگام تصادف یا مثلاً آموزش در خصوص وظایف و حقوق ارباب رجوع و کارمند یا شهروندان و پلیس و مسؤولیت نهادها و مردم در مقابل یکدیگر، مقررات مربوط به ازدواج و مراحل آن مثلاً شروط ضمن عقد ازدواج یا آگاهی در خصوص کم و کیف تعیین مهریه که عدم اطلاع از آنها در زندگی مسئله ساز می‌شود، رابطه میزان زیاد

عین مال موجود نباشد یا دسترسی بدان نداشته باشد مکلف به دادن مثل آن است و اگر مال مثلی نباشد ملزم به پرداخت قیمت آن است. و ... با اندک تفکر و دقتی در این قواعد روشن می گردد که ورود این مباحث در درس چقدر می تواند در نحوه رفتار و کنش و تعامل افراد با یکدیگر مؤثر واقع گردد.

نمونه‌هایی از قوانین کاربردی مربوط به خانواده که نقش آگاهی دهنده دارند:

الف) ماده ۱۰۳۵: وعده ازدواج ایجاد علقه زوجیت نمی‌کند اگرچه تمام یا قسمتی از مهریه که بین طرفین برای موقع ازدواج مقرر گردیده پرداخته شده باشد، بنابراین هر یک از زن و مرد مادام که عقد نکاح جاری نشده می‌تواند از وصلت امتناع کند و طرف دیگر نمی‌تواند او را مجبور به ازدواج کرده یا از جهت صرف امتناع از وصلت مطالبه خسارتی نماید.

ب) ماده ۱۱۰۳: زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.

ج) ماده ۱۱۱۴: زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید مگر آن که اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد.

د) ماده ۱۱۱۲: شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.

و) ماده ۱۱۶۸: نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوبین است.

اطلاع داشتن از قوانین و مقررات باعث می‌شود افراد از حقوق و تکالیف خود در قبال دیگران آگاهی یافته، در پرتو آن زندگی سالم و بی مشکل‌تری داشته باشند و در مواقع لزوم بتوانند با بهره‌گیری از آنها احقاق حق نمایند. در اینجا نمونه‌هایی از قانون مدنی که می‌تواند به جهت آگاهی بخشی به فراگیر برای مهیا شدن برای ورود به عرصه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند آورده می‌شود:

الف) ماده ۱۰: قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.

معنی گره بستن به یکدیگر است به گونه‌ای که جدا کردن از همدیگر سخت و مشکل باشد. مقصود از وفای به عهد، یعنی عمل کردن بر طبق مقتضیات آن (Momeni, 2005). با استخراج و گنجاندن این قبیل آیات، هم به تلاوت و فهم آیات که یکی از اهداف آموزش است رسیده‌ایم و هم با یک حکم فقهی و کاربردی آشنا شده‌ایم و هم در پرتو آن به تکلیف اجتماعی و دینی خود نسبت به دیگران واقف گشته‌ایم. و اینها از ثمرات تعلیم و تربیت دینی از منظر فقه و حقوق اسلامی است.

نمونه‌هایی از قواعد فقهی که می‌تواند در درس گنجانده شود:

الف) قاعده اتلاف و تسبیب: «مَنْ أَتْلَفَ مَالَ الْغَيْرِ فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ» (Najafi, 1981) هرگاه کسی شخصاً یعنی بدون واسطه یا به وسیله‌ای و با واسطه مال دیگری را تلف کند تلف کننده مال در برابر صاحب آن ضامن و مسؤول است (Mohammadi, 2010).

ب) قاعده احسان: «مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ» (التوبه ۹۱/۱) هرگاه کسی کار نیکی انجام دهد و بدون تعدی و تفریط زبانی به بار آورد مسؤول و ضامن نخواهد بود. مثلاً هرگاه کسی ببیند که کشتزار همسایه بر اثر بی‌آبی و تشنگی رو به پژمردگی و خرابی نهاده و می‌داند که صاحبش به سفر رفته یا به زندان افتاده و دسترسی به کشتزار خود ندارد حال اگر آن کس کشتزار را آب دهد و به هنگام آبیاری بوته‌هایی بدون تقصیر بشکند او ضامن جبران خسارت نخواهد بود (Mohammadi, 2010).

ج) قاعده غرور: مشهور است که حضرت رسول (ص) فرموده: «المغرورُ يرجعُ إلى مَنْ غَرَّهُ» (نجفی، ۱۹۸۱م) در اصطلاح فقه و حقوق تعریف آن چنین است: هرگاه کسی شخصی دیگر را فریب دهد و در نتیجه موجب تلف مالی از او گردد ... باید از عهده ضرر شخصی که فریب خورده بر آید (Mohammadi, 2010).

د) قاعده ضمان ید: قال رسول الله (ص): «على الید ما أخذت حتی تؤدیه» بیهقی (Beihaghi, 1961) منظور از آن این است که هرکس بر مال دیگری دست یابد بدون آن که از طرف قانون گذار یا مالک مأذون باشد موظف است به ردّ عین آن مال به صاحب آن یا قائم مقام او و در صورتی که

لذا اگر زیان و اختلاف ارزش، قیمت یا بهاء مورد معامله و مبلغ دریافتی یا بالعکس آنقدر زیاد بوده که قابل گذشت نباشد طرف مغبون می‌تواند نسبت به فسخ اقدام کند.

ی (ماده ۶۱۴: امین ضامن تلف یا نقصان مالی که به او سپرده شده است نمی‌باشد مگر در صورت تعدی و تفریط (Mansour, 1998).

بحث و نتیجه‌گیری

نظر به این که برنامه ریزی درسی بیانگر اهداف تربیتی و ترویج دهنده ارزش‌ها و اعتقادات در راستای فرهنگ یک جامعه است. پس با توجه به فطری بودن ارزش‌ها در انسان، نیز بیانات علمای اخلاق و تربیت در این خصوص، ضروری به نظر می‌رسد که در برنامه ریزی درسی، نکات اخلاقی و تربیتی با توجه به چگونگی به کار گیری آنها و ظرفیت‌های موجود گنجانده گردد. این مهم باعث نیل به فضائل اخلاقی و دوری از رذیلت‌ها خواهد شد. در صورت تحقق نکات اخلاقی و عرفانی در برنامه ریزی درسی این امکان فراهم خواهد شد که فرگیران امکان شناخت خویش از جهان و هستی را یافته و استعداد‌های فطری خویش را شکوفا سازند.

نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که فقه و حقوق و تقسیم ابواب و تنظیم و تفکیک دقیق تر آنها می‌تواند پایه و اساس اخلاق و تعلیم و تربیت قرار گیرد، این متد و سیره می‌تواند تمام نیازهای اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و مسائل مورد نیاز برای تعلیم و تربیت و غیره را به جهت سعادت‌مندی دنیوی و اخروی استخراج و استفاده کند. البته به این معنا نیست که به طور جداگانه کتب اخلاقی، اقتصادی، تعلیمی و تربیتی به طور وسیع و گسترده و مجزا لازم نباشد، بلکه در هنگام مطالعه دقیق و عمیق و تخصصی ضرورت هم دارد؛ ولی به جهت استفاده مقطعی و در یک دوره تدریس و تعلیم به طور فشرده و کاربردی نیاز است که مجموعه‌ای از آنها ارائه گردد و حاصل آن چیزی به مراتب بیشتر از صرف نصایح و تعالیم ثنوری و خشک اخلاقی است که عموماً در همه جا مثل مساجد، تکایا و هیئات و غیره مطرح می‌شود. اگرچه مواعظ در جای خود بسیار خوب و مفید و حتی ضروری است اما اگر قرار

لذا طرفین می‌بایست طبق مفاد قراردادها بین خود عمل کنند و چنانچه یکی از طرفین عمل نکرد طرف دیگر می‌تواند انجام آن را از طریق مراجع ذی صلاح دنبال نماید.

ب) ماده ۳۱: هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون کرد مگر به حکم قانون.

بنابر این اگر به حکم قانون نباشد از مصادیق جرائمی چون غصب، تصرف مال غیر، زورگیری و غیره قرار می‌گیرند.

ج) ماده ۱۳۲: کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.

مثلاً نمی‌توان از دیوار خود پنجره‌ای رو به حیاط دیگری گشود یا راه ناودان خانه را در ملک دیگری قرارداد.

د) ماده ۳۰۱: کسی که عمداً یا اشتبهاً چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است که آن را به مالک تسلیم کند.

ن) ماده ۳۶۲: آثار بیعی که صحیحاً واقع شده باشد از قرار ذیل است:

۱- به مجرد وقوع بیع مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می‌شود.

بنابراین اختیار استفاده و هر نوع تصرفی را خواهد داشت.

۲- عقد بیع بایع را ضامن درک مبیع و مشتری را ضامن درک ثمن قرار می‌دهد.

۳- عقد بیع بایع را به تسلیم مبیع ملزم می‌نماید.

۴- عقد بیع مشتری را به تأدیه ثمن ملزم می‌کند.

بنابراین فروشنده نمی‌تواند به دلایل واهی از تحویل کالا بعد از عقد بیع یا مبیعه نامه یا قول نامه خودداری کند و مشتری نیز می‌باید ثمن یا بهاء کالا را به فروشنده پرداخت نماید.

و) ماده ۴۱۶: هر یک از متعاملین که در معامله غبن فاحش داشته باشد بعد از علم به غبن می‌تواند معامله را فسخ کند.

ه) ماده ۴۱۷: غبن در صورتی فاحش است که عرفاً قابل مسامحه نباشد.

ممکن است پذیرفته نشود. لذا شکل و محتوای ارائه باید متفاوت باشد.

مطالعه دست آورد پژوهش‌های دینی جدید در کنار دست آورد رشته‌های دیگر و تلفیق و استفاده از این دست آوردها در زمینه تدوین کتب درسی می‌تواند گامی در جهت اصلاح تعلیم و تربیت دینی و نظام آموزشی و پرورشی باشد. مخصوصاً اگر از کتب موجود آنچه را که کاستن آن باعث لطمه به محتوا نمی‌شود، حذف، و آنچه که پاسخ‌گوی نیاز و اهداف فراگیران است، اضافه شود. مواردی که آنان را به گونه‌ای حقیقی دین دار و دین باور و هدفمند نماید و آن آموزه‌ها در رفتار آنان متجلی گردد، رفتاری توأم با احساس بزرگی و حس نوع دوستی و تعامل یافته همراه با اندیشه‌ای که رو به تکامل و مقصد و مقصود دارد. برای آسان سازی و قابل فهم بودن منظور، مواردی که با افق و سطح فکری فراگیر مناسب است می‌تواند انتخاب و گزینش شوند. از طرفی محتوای دروس و مطالب باید روشن، عقلانی، منطقی، کارآمد و مجاب کننده باشد چون فراگیر از منابع و رسانه‌های مختلف پاسخ می‌گیرد و باید در این آموزه‌ها آنچه را که نیاز دارد بیابد.

البته تعلیم و تربیت اگر صرفاً فقهی باشد، ممکن است ملال آور و سخت فهم باشد. لذا آوردن مباحث جذاب و شیرین از عرفان اسلامی و آمیختن دروس با ادبیات و شعر که مشحون از تعالیم و نکات نغز و تعالیم زیبای منشعب از آموزه‌های قرآنی و دینی و درک عمیق شعرا است، می‌تواند به شیوایی و زیبایی مباحث بیفزاید و دین و مسائل جهان، علاوه بر دیدگاه فقها و حکما، از دیدگاه عرفا نیز تبیین شود.

به جهت نیل به مقصود دوره‌های ضمن خدمت جهت آشنایی با شیوه تعلیمی مطروحه و فراگیری، یا بازآموزی مباحثی که قرار است در دروس گنجانده شود برای معلمان و مربیان این دروس برگزار گردد. دیگر ایجاد امکان استفاده از دستاوردهای تکنولوژی روز در امر آموزش که تحول در آن مستلزم استفاده کیفی از فناوری جدید است و بهره گیری از دانش ارگونومی جهت فراهم نمودن ملزومات و استفاده از آن در این امر می‌تواند به بهبود سطح کیفی و کمی آموزش کمک کند.

باشد در آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت به نحو رسمی و کاربردی رخ دهد، بهتر است به شیوه مذکور عمل شود.

تنها علوم تجربی نیستند که می‌توانند به روز شوند، بلکه می‌توان با تدابیر و راهکارهای مناسب به جهت کارآمد نمودن رشته‌های علوم انسانی و الهیات و فقه و حقوق و دروس دینی هم گام نهاد.

برای آگاهی از کارآمد بودن یا نبودن شیوه آموزش و مواد فعلی، پاسخ به این سؤال راه گشا است که آیا برنامه‌ها و مواد درسی فعلی می‌تواند پاسخ‌گوی خواسته‌ها و اهداف فراگیران باشد، یا خیر؟ نوع پاسخ تکلیف ما را روشن می‌نماید. اگر پاسخ منفی است نتیجه می‌گیریم که باید تغییراتی در این خصوص صورت گیرد. آیا فارغ التحصیلان این رشته از دانشگاه، آنچنان تخصص و دانشی می‌یابند که واقعاً کارشناس این علم محسوب شوند و بتوانند به سؤالات و شبهات پاسخ دهند، یا خیر؟ اگر پاسخ منفی است باید در شیوه برنامه ریزی و نوع مواد درسی برای به روز شدن تجدید نظر کرد.

از طرف دیگر، آیا این مقدار مواد و دروس تعبیه شده از جهت کمی و کیفی در بعضی رشته‌ها و این نوع سبک ارائه دین و دینداری می‌تواند توقعات و انتظارات و رضایت مدرسان، فراگیران، دانش‌آموزان و دانشجویان را در این رشته فراهم نماید؟ این از جمله مواردی است که جا دارد در آن پژوهشی دیگر انجام و ابعاد آن مورد بررسی قرار گیرد. اگر فراگیران، تعالیم را کارآمد و جذاب و خوب تلقی کنند، موفقیت حاصل شده و اگر از آنها یک سری دروس تکراری و ملال آور احساس شود؛ پس تدابیر دیگر لازم است. البته این موضوع که مطالب مورد نیاز چگونه و به چه نحوه و شکلی، متناسب با شرایط سنی و نیاز فراگیران جایگزین یا گنجانده شوند خود نیاز به تحقیق بیشتر و بررسی دقیق‌تر دارد.

نکته دیگر ضرورت تغییر سبک و سیاق و محتوای درسی کتب دینی بر اساس دین پژوهی‌های معاصر است، اگر یک نوشیدنی گوارا در یک ظرف نامناسب ریخته شود کسی راغب به مصرف کردن آن نیست. از طرفی دیگر، آنچه به کار نیاید حتی اگر در بهترین ظرف و شیوه هم باشد باز

Mohammadi, A. (2010). Religious jurisprudence rules (11th ed). Mizan: Tehran. [Persian]

Motahari, M. (1995). Familiarity with Islamic science (15th ed). Sadra: Qom. [Persian]

Sa'di, Shirazi, M. (1995). Correction of Golestan Sa'di (10th ed). Ghoghous: Tehran. [Persian]

Smith, F. J. (1974). Philosophy of education (2nd ed). Astan Ghods Razavi: Mashhad.

Sohofi, S. M. (1983). Heavenly teachings of Islam (10th ed). Ahlebeit: Qom. [Persian]

vaezi, S.H moazzeni, P. (2014) Islamic Rules Comprehensiveness of the teachers and students rights. (Reserch in Curriculum Planning Vol 11 No 15 (continus 42) Autumom 2014 P. 45-54. [Persian]

معلمان و مربیان و اساتید این رشته چنانچه علاوه بر تخصص خود تا حدی بر علوم و رشته‌های دیگر واقف گردند و آشنایی و اطلاعاتی در زمینه‌های مختلف داشته باشند و به اصطلاح از سواد چند بعدی، که یکی از خصوصیات مدارس پیشرفته است، برخوردار باشند، هم در تدریس به آنان کمک خواهد نمود و هم تحصیل را برای مخاطبان و فراگیران شیرین‌تر می‌سازد.

به جهت تحقق این امر و تنوع بخشی و رسیدن به زیبایی و شیوایی درموضوع می‌توان از کتاب‌های ارزشمندی چون کیمیای سعادت، امام محمدغزالی که تکیه فراوان بر سعادت انسان و شیوه رسیدن به آن دارد و همچنین از معراج السعاده، ملا احمد نراقی، بوستان و گلستان سعدی که مملو و مشحون از درس‌های اخلاقی است و از اصالت و استحکام برخوردارند، نیز از دریای عظیم و پر در و گهر مثنوی معنوی بهره برد.

منابع

Ameli, H. & Mohammad Ibn Hassan. (1993). Vasaal Al- Shia. (1st ed.). (Vol. 30). Mehr Publication: Qom.

Beheshti.A. (2006). Pearl of religion (1st ed). Ettelaat: Tehran. persian

Behjat, M. T. (2000). The Islamic laws (25th ed). Qom. [Persian]

Beihaghi, H. (1961). Alsonano Alkobra. Heidar Abad Dakan: Matbaeh Majles .

Educational Research Office, District 2, 5. (1981). Man education islam (1st ed). Educational Research Office, District 2, 5: Tehran. [Persian]

Elahi Ghomsheii, M. (2008). Translation of the Holy Koran (10th ed). Osman Tahaa: Qom.

Hojjati, S. M. B. (1978). Islam and education. Farhang Eslami: Tehran. [Persian]

Janati, M. (2006). Religious jurisprudence and time (1st ed). Ehyagan: Qom. [Persian]

Majlesi, M. B. (1982). Bahar Al- Anvar. (3rd ed). Dar Ehyae Al- Torath Al- Arabi Publication: Beirut.

Mansour, J. (1998). Civil law (6th ed). Dovraan: Tehran. [Persian]